

Original Article

Challenges to Private Enforcement of Social Correction Penalties Alternative to Imprisonment in Iranian Law and the United States of America in the Light of Ethical Principles

Ezatoollah Khorshidi¹, Mohsen Shekarchizadeh^{2*}, Raziieh Ghasemi Kahriz Sangi³

1. Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
(Corresponding Author) Email: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 10 Jul 2021 Accepted: 13 Oct 2021

Abstract

Background and Aim: Today, despite significant ambiguities as well as fundamental criticisms of the privatization of prison sentences, the growing popularity of private or non-governmental institutions interfering with alternatives to imprisonment or social punishment can be seen. The cooperation of these non-governmental organizations is very evident in various ways, especially in American law, including towards vulnerable people such as children and adolescents. In Iranian criminal law, despite the negative attitude towards the privatization of prisons, the involvement of public institutions in social reform punishments can be considered in line with some teachings and some regulations emphasize this. In line with the fundamental question of the feasibility of such an approach, examples of social penalties in US criminal law and their contexts in Iran will be discussed.

Materials and Methods: This research is theoretical. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library, which was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while respecting the originality of the texts, honesty and fidelity have been considered.

Findings: It seems that the involvement of private non-governmental organizations as the implementer of some alternative correction responses, complying with moral norms, can at the same time strengthening the participatory policy and achieving the goals of social punishments by reducing the density of criminal cases and increasing their accuracy by attracting the cooperation of private sector experts.

Conclusion: Incentives to generate income and profit from convicts, as well as some structural-executive challenges such as discrimination and violence can overshadow the effectiveness of private enforcement of social correction penalties. Therefore, strengthening monitoring, case and limited implementation combined with expression and periodic pathology of performance can prevent the emergence of such obstacles. In Iranian criminal law, this policy is at the beginning of the road and despite anticipating some aspects of it, many of its components and practical formalities have been silenced that indicating the need for more technical legislation in this regard.

Keywords: Privatization; Alternative Punishments; Iranian Law; US Law

Please cite this article as: Khorshidi E, Shekarchizadeh M, Ghasemi Kahriz Sangi R. Challenges to Private Enforcement of Social Correction Penalties Alternative to Imprisonment in Iranian Law and the United States of America in the Light of Ethical Principles. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 7-22.

چالش‌های اجرای خصوصی مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو اصول اخلاقی

عزت‌اله خورشیدی^۱، محسن شکرچی‌زاده^{۲*}، راضیه قاسمی کهریزسنگی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: امروزه به رغم ابهامات قابل توجه و همچنین انتقادات اساسی پیرامون خصوصی‌سازی مجازات زندان، می‌توان شاهد اقبال روزافزون دخالت نهادهای خصوصی یا غیردولتی در نهادهای جایگزین حبس یا مجازات‌های اجتماعی بود. تشریک مساعی این نهادهای غیر دولتی به انحاء مختلف به ویژه در حقوق آمریکا و از جمله نسبت به اشخاص آسیب‌پذیری مانند کودکان و نوجوانان بسیار مشهود است. در حقوق کیفری ایران نیز به رغم نگرش منفی نسبت به خصوصی‌سازی اجرای زندان، می‌توان دخالت نهادهای جامعوی در مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی را با برخی آموزه‌ها، همسو دانست و برخی از مقررات بر این امر تأکید دارند. در راستای سؤال اساسی مبنی بر امکان سنجی چنین رویکردی، مصادیق کیفرهای اجتماعی در حقوق کیفری آمریکا و بسترهای آن‌ها در ایران به بحث گذاشته خواهد شد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: به نظر می‌رسد که دخالت نهادهای خصوصی غیر دولتی به عنوان مجری برخی از پاسخ‌های اصلاح‌مدار جایگزین می‌تواند در عین تقویت سیاست مشارکتی، با کاهش تراکم پرونده‌های کیفری موضوع اجرا و افزایش دقت در آن از طریق جلب همکاری متخصصان بخش خصوصی، ضمن انطباق بر هنجارهای اخلاقی، اهداف کیفرهای اجتماعی را نیز محقق نماید.

نتیجه‌گیری: انگیزه درآمدزایی و کسب سود از محکومان و همچنین برخی از چالش‌های ساختاری - اجرایی مانند تبعیض و توسل به خشونت می‌توانند بر کارایی اجرای خصوصی مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی، سایه افکند. از این جهت تقویت نظارت‌ها و اجرای موردی و محدود توأم با بیان‌گیری و آسیب‌شناسی دوره‌ای عملکرد، می‌تواند از تحقق چنین موانعی جلوگیری نماید. در حقوق کیفری ایران این سیاست در ابتدای راه است و به رغم پیش‌بینی برخی از جنبه‌های آن، بسیاری از مؤلفه‌ها و تشریفات عملی آن مسکوت مانده که خود نیازمند قانونگذاری فنی‌تری در این خصوص است.

واژگان کلیدی: خصوصی‌سازی؛ مجازات‌های جایگزین؛ حقوق ایران؛ حقوق ایالات متحده آمریکا

۱. مقدمه

در اغلب حوزه‌های قضایی، اجرای مجازات در قالب یک سیاست مشارکتی دنبال می‌شود و متخصصان حوزه‌های مختلفی در این مرحله دخالت می‌کنند. به تعبیری مجازات و تحقق اهداف مختلف آن موضوعی چندبُعدی است و بنا بر اذعان عملی و نظری، نمی‌توان به صورت تک‌بعدی تحقق آن‌ها را تضمین نمود. تکثر فعالیت نهادهای خصوصی در حقوق آمریکا، در راستای چنین دغدغه‌هایی گسترش قابل توجهی پیدا کرده است که نه تنها اجرای خصوصی مجازات حبس، بلکه مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی مبتنی بر خروج از آن را نیز تحت‌الشعاع سیاست‌های خصوصی‌سازی قرار داده است. با توجه به مشکل افزایش شمار زندانیان در جهان و مشکلات ناشی از آن اقداماتی از جمله حبس‌زدایی یا حتی جرم‌زدایی و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت مثل اعطای مرخصی و عفو، راه‌حل‌های بلندمدت برای پرهیز از حبس پیش از محاکمه (مثل استفاده از قراردادهای غیر از بازداشت موقت) و راه‌حل‌های بلندمدت برای پرهیز از حبس پس از محاکمه و محکومیت (مثل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و نظام آزادی مشروط و نیز پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس مانند انجام خدمات عمومی رایگان) در مقررات جزایی کشورهای مختلف از جمله ایران، پیش‌بینی شده است و ارفاق‌گرایی نه‌تنها در صدور، بلکه در شرایط اجرای این نهادها از جمله دخالت نهادهای مختلف مشاهده می‌شود.

پرسش اساسی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد، این است که اجرای خصوصی مجازات‌ها چه چالش‌هایی را در نظام حقوقی ایران ایجاد می‌کند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، این است که اجرای خصوصی مجازات‌ها با در نظر گرفتن شرایط فعلی چالش‌های متعددی از جمله چالش‌های ساختاری، هنجاری، اجرایی و مالی را در پی خواهد داشت. در ارتباط با پیشینه پژوهش باید عنایت داشت که مجازات‌های جایگزین به عنوان یکی از متغیرهای پژوهش

حاضر مورد توجه برخی نویسندگان قرار گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آثار در این زمینه اشاره خواهیم کرد. در مقاله «بررسی مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم» نوشته داود پرچمی و فاطمه درخشان که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است، نویسندگان بیان داشته‌اند: مجازات حبس با وجود تبعات منفی برای افراد، جامعه و دولت، سهم بالایی در احکام صادره دادگاه‌ها داشته و در عین حال بر جلوگیری از تکرار جرم تأثیر کمی دارد. مجازات‌های جایگزین حبس به عنوان بارزترین تلاش برای رفع این نقیصه محسوب می‌شود. در تعیین مجازات‌های جایگزین می‌توان نظام مجازاتی بر مبنای شرایط اجتماعی وقوع جرم در نظر گرفت که در این پژوهش، نظام مجازات‌های اجتماعی نامیده شده است. مجازات‌های اجتماعی نظامی است که در آن احکام، با در نظر گرفتن شرایط وقوع و نوع جرم، شرایط مجرم و میزان برخورداری او از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و شرایط بزه‌دیده صادر می‌شود. این مقاله به بررسی قابلیت جلوگیری ارتکاب جرم مجازات‌های جایگزین حبس و مجازات‌های اجتماعی در مقایسه با مجازات زندان می‌پردازد. در این تحقیق که مطالعه‌ای کیفی است، با ۶۵ نفر از قضات و حقوقدانان با روش انتخاب هدفمند مصاحبه شده است. داده‌ها با مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته جمع‌آوری و تحلیل آن‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار و تحلیل تماتیک انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان مجازات‌های اجتماعی را به شرط اجرای صحیح، بیش از مجازات حبس بر کاهش جرم مؤثر دانسته و این نوع مجازات‌ها را دارای پیامدهای منفی زندان نمی‌دانند (۱).

همچنین مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس» نوشته داوود خاکسار و حسین غلامی در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی جنایی که تا حدودی مبتنی بر اصلاح و درمان مجرمین و بازپذیری اجتماعی آن‌هاست، تأثیرات شگرفی را بر حقوق کیفری که صرفاً دارای جنبه‌های سزادهی محض است

بر جای گذاشته و از این طریق موجبات اثبات ناکارآمدی برخی از انواع مجازات‌ها من جمله زندان را فراهم آورده است. روند تعدیل تفکرات کیفرگرا و اصلاح ساختار آسیب‌زای زندان، امروزه استفاده از جایگزین‌های حبس را در دستور کار قرار داده و قانونگذار ایرانی تقریباً ۵٪ از مواد کتاب ق.م.ا (۱۳۹۲ ش.) را به این دست از مجازات‌ها اختصاص داده است، لیکن باید مشخص شود چه عواملی موجبات استفاده و یا عدم استفاده از این دست مجازات‌ها را فراهم می‌آورد؟ قضات برای استفاده از این ابزارهای اصلاحی و درمانی با چه چالش‌هایی رو به رو هستند؟ پاسخگویی به این سؤالات در گرو تجزیه و تحلیل آرای صادره از محاکم است که در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی SPSS 22 انجام شد. در نتیجه این بررسی می‌توان گفت بعضی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس من جمله جزای نقدی روزانه و خدمات عام‌المنفعه فاقد کارایی عملی هستند و برخی متغیرها من جمله نوع جرم، نوع مجازات، پیشینه کیفری شغل متهم بر نوع و میزان اعمال مجازات‌های جایگزین حبس از سوی قضات تأثیرگذار است (۲).

متغیر دوم پژوهش حاضر، یعنی مسأله خصوصی‌سازی اجرای مجازات‌ها به صورت بسیار محدود و در قالب موضوع تشکیل زندان‌های خصوصی مورد توجه قرار گرفته است که در همین راستا می‌توانیم به مقاله «شکل‌گیری زندان‌های خصوصی و مطالعه تطبیقی آن در ایران و آمریکا» نوشته احمد حاجی‌ده‌آبادی و مرتضی جلیل‌زاده اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، در زندان‌های خصوصی آمریکا در قرون ۱۸ و ۱۹، محکومین را به کارهای طاقت‌فرسا می‌گماردند و نفع زیادی از زندانیان برده می‌شد، اما امکانات بسیار کمی در اختیار این کارگران ارزان‌قیمت قرار می‌گرفت. از اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل جدیدی از زندان‌های خصوصی در آمریکا پا به عرصه زندان‌بانی گذارد. این زندان‌ها، هرچند معضلات زندان‌های خصوصی قرون ۱۸ و ۱۹ را نداشت، معایب جدیدی به وجود آورد. این معایب حقوق بشری تا حدی بوده است که می‌توان آن را بسیار فاجعه‌بارتر از زندان‌های خصوصی سنتی دانست. در حقوق ایران نیز خصوصی‌سازی در زندان‌های عادل‌آباد

شیراز و وکیل‌آباد مشهد دنبال شد، اما به وجود آمدن مشکلاتی، راه را بر گسترش خصوصی‌سازی زندان‌ها بست (۳).

در مقاله «خصوصی‌سازی زندان در حقوق جزای ایران» نوشته مهدی کلانفر نیانی که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است، گفته می‌شود، خصوصی‌سازی امور زندان‌ها، پدیده نوظهوری نیست، بلکه خصوصی‌سازی امور زندان‌ها به عنوان روشی جدید برای افزایش ظرفیت زندان‌های موجود همراه با بالابردن کیفیت با هزینه کمتر، تلقی می‌شود. در اعصار گذشته زندان‌های خصوصی به اشکال مختلف سنتی و مدرن وجود داشته‌اند، به طوری که قبل از شکل‌گیری قدرت عمومی در جوامع مختلف، اجرای مجازات در دست اشخاص قدرتمند قبایل بود، اما پس از شکل‌گیری دولت‌ها به شکل امروزی، اشخاص خصوصی نیز حق دخالت در اجرای مجازات و یا اداره زندان‌ها را پیدا کردند. در زندان‌های ایران استفاده از خدمات بخش خصوصی سابقه‌ای ۵۰ ساله دارد. قبل از انقلاب اداره تأسیسات زندان‌های عادل‌آباد و وکیل‌آباد به بخش غیر دولتی واگذار شده بود. پس از انقلاب با تدوین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، گام‌هایی در جهت توانمندسازی بخش خصوصی به منظور کاهش تدریجی حجم دولت انجام شد. قوانین و مقررات مربوط به زندان‌ها در کشورمان، تغییر و تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند. واگذاری در زندان وکیل‌آباد مشهد به صورت نیمه‌خصوصی انجام شد و در زندان عادل‌آباد شیراز واگذاری کامل صورت گرفت. در هر دو مورد، پس از طی دوره‌ای نه‌چندان طولانی، اجرای طرح خصوصی‌سازی متوقف شد. حال سؤالی که به ذهن متبادر می‌گردد، آن است که خصوصی‌سازی زندان‌ها در ایران چه جایگاهی داشته و آیا تجربیات موفق در این زمینه وجود داشته است یا خیر؟ در پژوهش حاضر در پی دستیابی به پاسخ این پرسش برخوایم آمد (۴).

همانطور که در قسمت پیشینه پژوهش مشاهده شد، هیچ پژوهشی که به طور خاص اولاً خصوصی‌سازی اجرای مجازات‌ها (اعم از حبس و...) را در فضای حقوق ایران امکان‌سنجی کرده باشد، انجام نشده است؛ ثانیاً در پژوهش حاضر تأکید بر چالش‌های اجرای مجازات‌های اصلاح‌مدار

۴. یافته‌ها

بر اساس یافته‌های این مطالعه، دخالت نهادهای خصوصی غیردولتی به عنوان مجری برخی از پاسخ‌های اصلاح‌مدار جایگزین می‌تواند در عین تقویت سیاست مشارکتی، منجر به کاهش تراکم پرونده‌های کیفری موضوع اجرا و افزایش دقت در بررسی‌ها از طریق جلب همکاری متخصصان بخش خصوصی و مآلاً تحقق اهداف کیفرهای اجتماعی گردد. با این وجود تأکید بر انگیزه درآمدزایی و کسب سود از محکومان و همچنین برخی از چالش‌های ساختاری - اجرایی مانند تبعیض و توسل به خشونت از جمله مواردی است که می‌تواند بر کارایی این نوع اجرای مجازات سایه افکند. از این جهت تقویت نظارت‌ها و اجرای موردی و محدود توأم با بیان‌گیری و آسیب‌شناسی دوره‌ای عملکرد می‌تواند از تحقق چنین موانعی جلوگیری نماید. در حقوق کیفری ایران این سیاست در ابتدای راه است و به رغم پیش‌بینی برخی از جنبه‌های آن، می‌توان اذعان نمود که بسیاری از مؤلفه‌ها و تشریفات عملی آن مسکوت مانده که خود نیازمند قانونگذاری فنی‌تری در این خصوص می‌باشد.

۵. بحث

۵-۱. زمینه‌های افزایش عملکرد نهادهای خصوصی در مجازات‌های اصلاح‌مدار جایگزین: واقعیت غیر قابل انکار در حقوق کیفری آمریکا آن است که در آینده‌ای نزدیک، بیش از دو میلیون مجرم به صورت روزانه در ایالات متحده آمریکا، روانه حبس خواهند شد. در چنین شرایطی، قواعد آمره به نظر روشن و صریح می‌رسد و جرم‌شناسان می‌بایستی راه‌حل‌های واقع‌گرایانه‌ای ارائه دهند که به چه نحوی می‌توان، زندان‌های کنونی را به صورت محیط‌های انسانی و کارآمد درآورد (۵). با وجود چنین دغدغه‌هایی که کشور ایران نیز با آن‌ها رو به رو می‌باشد، شرکت‌های زندان‌های انتفاعی به سمت شیوه‌ها و مجازات‌های اصلاح‌مدار سوق یافتند و در قالب‌هایی چون زندان‌های خصوصی، ایجاد خانه‌های موسوم به خانه‌های نیمه راه، مراکز تعلیق و آزادی مشروط و مراکز توانبخشی ایفای نقش نمودند. شرکت‌های خصوصی که اصلاحات جایگزین را

اجتماعی جایگزین توسط بخش خصوصی می‌باشد که این موضوع نیز در هیچ پژوهشی مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به آنچه که تاکنون بیان شد، در ارتباط با اهمیت و ضرورت این تحقیق باید عنایت داشت که با گذشت زمان و افزایش میزان جمعیت و همچنین ورود متغیرهای جدید به فضای روابط تابعان حقوق (مانند فضای مجازی)، دامنه جرم‌انگاری رفتارهای افراد توسط قانونگذار نیز افزایش یافته است. همین امر موجب افزایش جمعیت کیفری زندانیان شده است. از طرفی نیز با توجه به گسترش چالش‌های مختلف در سطح جوامع و بالابودن هزینه‌ها، دولت‌ها به دنبال سیاست کوچک‌کردن دولت و افزایش میزان مشارکت بخش خصوصی هستند. در واقع دولت‌ها به دنبال محول‌کردن بخشی از وظایف خود به بخش خصوصی هستند. در حقوق کیفری ایران نیز به رغم نگرش منفی نسبت به خصوصی‌سازی اجرای زندان، اما می‌توان دخالت نهادهای جامعه‌ی در مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی را با برخی آموزه‌ها همسو دانست چه این‌که برخی از مقررات نیز بر این امر تأکید دارند. در نتیجه به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن حساسیت‌های موجود نسبت به اجرای مجازات‌های اصلی توسط بخش خصوصی، می‌توان به سمت اجرای مجازات‌های جایگزین توسط بخش خصوصی متمرکز شد؛ در گام اول نیز لازم است که امکان‌سنجی اجرای این سیاست در نظام حقوقی ایران را مورد بحث و بررسی قرار داد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری است و روش آن به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده که ضمن مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت پذیرفته است.

می‌شوند و احتمالاً تعداد آن‌ها نیز مانند سود شرکت افزایش می‌یابد. کل درآمدهای مربوط به اصلاحات خصوصی بیش از ۳/۳ میلیارد دلار در سال است و مدیران زندان‌های خصوصی در شرکت‌های پیشرو بسته‌های غرامت عظیمی را درگیر می‌کنند و در برخی موارد میلیون‌ها دلار سود متعلق به مجازات در هنگام خصوصی‌سازی مجازات است (۹).

در حقوق ایران، اگرچه سیاست خصوصی‌سازی در مجازات زندان چندان مود توجه رویکرد قانونی و رویکرد عملی قرار نگرفته است، اما به موجب مقررات مختلف می‌توان زمینه‌های توسل به همکاری نهادهای خصوصی در پیاده‌سازی سیاست‌های اصلاحی جایگزین را موجود یافت. در برنامه ششم توسعه در ضمن اشاره به «بهبودبخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها»، به طور خاص در بند ۵ از بند «پ» ماده ۱۱۳ با عنوان قسمت همکاری‌های بخش‌های غیر دولتی در زمینه‌های حرفه‌آموزی، اشتغال حین حبس و پس از آزادی، آموزش، سلامت و درمان، طرح‌های حمایتی از خانواده زندانیان و کمک به خودکفایی زندان‌ها، همکاری نهادهای غیر دولتی به رسمیت شناخته شده است، لذا فارغ از خصوصی‌سازی اجرای زندان‌ها، جلب مشارکت نهادهای غیر دولتی در سیاست‌های اصلاح‌مدار جایگزین موردپذیرش قرار گرفته شده است.

۵-۲. گونه‌های اجرای خصوصی مجازات‌های اصلاح‌مدار جایگزین: مصادیق متعددی به روش خصوصی برای اجرا توسط نهادهای اصلاح‌مدار جایگزین زندان، با هدف نظارت بیشتر و اجرای نظام‌مند و در مواردی نیز با توجه به نوع پاسخ‌های موردنیاز، در نظر گرفته می‌شود. در این زمینه مکان‌هایی برای این نهادهای اصلاح‌مدار از سوی متولی غیر دولتی اختصاص داده می‌شود. گاه نیز در زندان‌های خصوصی، این تدابیر اصلاح‌مدار اجرایی می‌شوند، اما در مواردی که در حقوق ایران نیز به عنوان زمینه‌هایی از این بحث مد نظر است، نهادهای خیریه کانون این اقدامات قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱. خانه‌های خصوصی موسوم به نیمه راه و برنامه‌های ورود مجدد (Private Halfway Houses and Re-Entry Programs): یکی از مصادیق مهم در زمینه پیاده‌سازی

انجام می‌دهند - که اغلب همان شرکت‌های انتفاعی هستند که زندان‌های خصوصی را اداره می‌کنند - دقیقاً همان انگیزه مبتنی بر سود را دارند و تمایل دارند از همان مدل‌های تجاری استفاده کنند. به اعتقاد یکی از نویسندگان، انگیزه کسب سود فعالیت این شرکت‌ها را گسترش داده است، تا جایی که علاوه بر زندان‌ها، مراکز بازپذیرسازی و توانبخشی و همچنین سایر جایگزین‌های اصلاح‌مدار (Correctional Alternatives) را نیز در اختیار گرفته و در آن‌ها ایفای نقش می‌نمایند (۶)، لذا در حال حاضر عمده شرکت‌های خصوصی‌ای که قسمت قابل توجهی از مجازات‌های اجتماعی در آمریکا را متولی شده‌اند، عبارتند از شرکت اصلاح‌نمایی آمریکا موسوم به «CCA» و گروه موسوم به «GEO». در کنار این دو نهاد خصوصی، نهادهای متعددی نیز فعالیت می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به نهاد مدیریت و آموزش اصلاح و... اشاره نمود. به دلیل نگرانی از جنبه اصلاحی مجازات، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های زندان خصوصی سرمایه‌گذاری خود را در خدمات اصلاح‌مدار جایگزین مانند خانه‌های نیمه راه خصوصی، نظارت الکترونیکی، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط توسط نهادهای خصوصی، مراکز «تعهد مدنی» برای متخلفین جنسی و مراکز درمانی مسکونی غیر انتفاعی آغاز کرده‌اند. اعتقاد بر این است که «گزینه‌های دیگر» برای حبس می‌تواند بسیار سودآور باشد، به ویژه اگر به طور مشابه با زندان‌های خصوصی اداره شود (۷).

طبق آمار، در سال ۲۰۱۵ در آمریکا حدود ۱۹۳ هزار بزه‌کار تحت نظام زندان‌های خصوصی قرار گرفتند (۸). این تعداد، اما مجرمان بسیار دیگری را که وارد مدار مجازات خصوصی می‌شوند، در نظر نمی‌گیرد که عبارتند از زندان‌های خصوصی (Private Jails)، تعلیق مراقبتی خصوصی (Private Probation)، نظارت پس از آزادی خصوصی (Private Post-Release Supervision) و توانبخشی خصوصی / خانه‌های نیمه راه (Private Rehabilitation/ Halfway Houses) و همچنین برون‌سپاری خدمات ضروری زندانیان مانند حمل و نقل، مراقبت‌های بهداشتی، تلفنی و غذا. تقریباً ۸٪ از زندانیان در مراکز اصلاح خصوصی نگهداری

معایب زندان در چنین روشی آن هم از حیث دغدغه اجرای مجازات‌های اصلاح‌مدار و کارکرد مثبت این سیاست‌های اصلاحی و بازپذیرسازی محکومان، بر مزایای آن، سایه می‌افکند. شاید به همین دلیل رویکرد میانه موجود در خانه‌های موسوم به خانه‌های نیمه راه به دلیل دغدغه خروج از محیط زندان و معایب آن منطقی‌تر به نظر برسد.

۳-۵. بسترهای دخالت نهادهای خصوصی غیر دولتی در

مجازات‌های اصلاح‌مدار جایگزین: با توجه به نگرش خصوصی‌سازی اجرای مجازات حبس، به عنوان شدیدترین مجازات، به تدریج رویکرد مذکور نسبت به سایر کیفی‌ها مجال طرح پیدا کرد و در این راستا می‌توان در سایر مجازات‌ها نیز کاهش مسؤلیت‌های دولتی و تفویض برخی مسؤلیت‌های اجرایی و پیاده‌سازی را مشاهده نمود. رویکرد کلی آن است که کشورهای مختلف برای توسل به سیاست خصوصی‌سازی اجرای مجازات، یک یا ترکیبی از این دلایل را مطرح می‌کنند: انسانی‌تر کردن اجرای مجازات، توجه به ابعاد حقوق بشری مجازات، کاهش بار تراکم مجازات‌های موضوع اجرای نهادهای دولتی، افزایش دقت و کاهش میزان اشتباه در اجرای مجازات‌ها از سوی نهادهای دولتی. در کشور آمریکا می‌توان ترکیبی از این دلایل را مشاهده نمود که از این جهت حقوق آن کشور در فرآیند اجرای مجازات، نهادهایی را به رسمیت می‌شناسد که اعضای آن‌ها دولتی نبوده و پیشنهادات مؤثر و لازم‌الاجرای می‌دهند. به نظر می‌رسد در حقوق کیفری ایران، اگر خصوصی‌سازی وارد فرآیند اجرای احکام کیفری شود دلیل عمده آن را می‌توان در رویکرد عملی کاهش تراکم و تعداد آمار بالای موضوع اجرای انواع احکام کیفری باشد، لذا در قالب این رویکرد، می‌توان دریافت که منفعت‌محوری چندان جایگاهی ندارد، اما اینکه در حقوق ایران سیاست خصوصی‌سازی اجرای مجازات‌ها می‌تواند به افزایش دقت در اجرای احکام کیفری منتهی شود خود به فرآیند اجرایی و تشریفات عملی و چگونگی پیاده‌سازی آن‌ها بستگی دارد.

همکاری در پیاده‌سازی دستورهای حین تعلیق و تعویق می‌تواند از جمله بسترهای مشارکت نهادهای خصوصی با نهادهای دولتی باشد، زیرا غالب این دستورها محدودیت

خصوصی پاسخ‌های اصلاح‌مدار نسبت به محکومان، خانه فوق‌الذکر است که خانه‌های نیمه راه یا خانه‌های واسطه‌ای میان زندان و ورود مجدد به جامعه می‌باشند. تأسیس این نهادها با حمایت گروه‌های مختلفی مانند گروه سرمایه‌داری GEO است؛ هدف اساسی چنین مکان‌هایی توانبخشی محکومان و آماده‌سازی ورود آن‌ها به جامعه است و با برنامه‌هایی مانند آموزش حرفه‌ها، درمان حالت‌های جرم‌زای بزه‌کاران و کاهش آثار منفی زندان‌ها بر محکومان توأم است. در ایالت نیوجرسی اقدام به تأسیس چنین مکان‌هایی در دهه ۱۹۹۰ آغاز گردید، اما گروه فوق‌الذکر از سال ۲۰۱۱ اقدام به نظام‌مندسازی ارائه خدمات مختلف در زمان توانبخشی محکومان کرده است. این در حالی است که تجارب عملی مختلف در این کشور حاکی از نگران‌کننده بودن نتایج این خانه‌های به اصطلاح خانه‌های اصلاح بوده است. شرایط در این خانه‌های نیمه راه خصوصی بسیار تکان‌دهنده بود، بدتر از شرایطی که توسط مکان‌های دولتی اداره می‌شد. تنها در یک سال، ۱۸۵ بزه‌کار از خانه‌ها فرار کردند، بسیاری از آن‌ها بزه‌کاران خشن بودند و زندگی در این مراکز خطرناک و کنترل نشده بود. مشکلات مربوط به خانه‌های نیمه راه CEC به نیوجرسی محدود نمی‌شود. در سال ۲۰۱۱، یک زندانی در ایالت ایندیانا به دلیل عوارض بارداری درمان‌نشده درگذشت (۱۰).

۲-۲-۵. اجرای برنامه‌های اصلاح‌مدار در زندان‌های خصوصی: یکی از گونه‌های اجرایی خاص در پیاده‌سازی تدابیر اصلاح‌مدار توسط نهادهای خصوصی را می‌توان اجرا در محیط زندان‌های خصوصی دانست؛ رویه‌ای که در حقوق آمریکا یکی از سیاست‌های قابل توجه است. این بُعد از سیاست خصوصی‌سازی بدین معناست که علاوه بر ماهیت خصوصی مجازات‌های اصلاح‌مدار، محل اجرا نیز همان نهادهای خصوصی است. این شیوه با توجه به معضلات عملی و چالش‌های قابل توجهی که در آمریکا به دنبال داشته است در عین اجرا، به دیده انتقاد نگریسته می‌شود (۶). در ایران نیز با نظر به نگرش منفی نسبت به زندان‌های خصوصی، اجرای این نوع از خصوصی‌سازی با تردید مواجه می‌باشد، مضافاً اینکه

خاصی در اجرا از سوی نهادهای دولتی نداشته و صلاحیت مقام قضایی در آن‌ها گسترده است. به علاوه به موجب قسمت اخیر بند «ث» ماده ۸ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و مجازات‌های جایگزین حبس مصوب ۱۳۹۸ ریاست قوه قضاییه «... قاضی اجرا با توجه به نوع دوره و مدت زمانی پیش‌بینی شده در رأی دادگاه از طریق مؤسسات یا نهادهایی که مورد تأیید مراجع قانونی ذی‌ربط است، اقدام می‌کند، قاضی اجرا به اشخاص یا نهادهای مجری دوره‌های مذکور اعلام می‌کند که ارزیابی عملکرد آموزشی مرتکب را در پایان هر دوره به قاضی اجرا منعکس کنند. در این زمینه، مددکار اجتماعی در هر دوره بر نتیجه ارزیابی نظارت کرده و در پایان مراتب را به قاضی اجرا گزارش می‌کند.» این ماده در فصل دوم این آیین‌نامه و با عنوان نحوه اجرای قرار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات مرتبط می‌باشد.

بند «پ» ماده ۱۲ از آیین‌نامه فوق یکی از وظایف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی را در رابطه با نظام نیمه آزادی چنین بیان نموده است: «تعامل، هماهنگی و همکاری لازم با دستگاه‌های اجرایی، تعاونی‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی و انعقاد تفاهم‌نامه در اجرای نظام نیمه آزادی در چارچوب بودجه و اعتبارات سازمان»؛ البته بند «الف» از این ماده درباره «تأسیس مرکز نیمه آزادی و تشکیل مراکز متناظر آن در ادارات کل استان‌ها، به منظور اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف نظام نیمه آزادی در اجرای ماده ۵۶ قانون»، خود می‌تواند یکی از مصادیق نهادهای مورد بررسی با همکاری سازمان‌های غیر دولتی باشد. در ذیل همین مورد مجازات نیمه آزادی مطرح شده است و ماده ۱۴ از آیین‌نامه فوق مقرر داشته است: «محل اجرای فعالیت‌های مورد حکم دادگاه در نظام نیمه آزادی می‌تواند در هر محلی از قبیل دستگاه اجرایی یا محل اقامت سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از عمومی یا غیر دولتی باشد.» همچنین در رابطه با ارائه خدمات عمومی و اجرا از سوی نهادهای خصوصی نیز پذیرش نهادهای پذیرنده غیر دولتی با عنوان «مؤسسات دولتی و عمومی غیر دولتی» به

طور محدود در بندهای ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۳ مشاهده می‌شود.

۴-۵. چالش‌های اجرای مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی از سوی نهادهای خصوصی: از جمله ابتدایی‌ترین چالش‌های قابل توجه در این خصوص به رقابت بین شرکت‌های خصوصی متولی تعلیق مراقبتی، مرتبط است، زیرا رقابت آن‌ها برای قراردادهای سودآور و انحصاری با دادگاه‌های محلی می‌تواند باعث ایجاد فساد در مقامات دادگاه و مقامات شرکت شود (۱۱). به عنوان مثال یک شرکت خصوصی متولی تعلیق مراقبتی در آلاباما محکوم را مکلف می‌نمود تا برای شرکت در برنامه اصلاح اخلاقی (Moral Reconnection Therapy) ۲۴۰ دلار بپردازد. به عنوان مثال، یک شرکت خصوصی متولی تعلیق مراقبتی در آیداهو به دلیل اتهامات سودآوری و تحمیل هزینه‌های غیر قانونی ده سال تعطیل شد. به همین ترتیب در تنسی، شرکتی مشابه چنان مشتاقانه اقدام به اخذ هزینه از بزه‌کاران کرده است که برخی از کارکنان آن‌ها از ترک خانه خود می‌ترسیدند. در آلاباما و می‌سی‌سی‌پی نیز از شرکت‌های بزرگ خدمات اصلاح قضایی، بارها به جرم اخاذی و برخی دیگر اتهامات شکایت شده است، لذا با نظر به این مثال‌های عملی در آمریکا می‌توان فقدان نظارت و شفافیت در اجرای مجازات‌های اصلاح‌مدار از سوی نهادهای خصوصی را مشهود یافت (۱۲).

یکی دیگر از مشکلات شرکت‌های خصوصی متولی مجازات‌های اصلاح‌مدار، روند روزافزون «گسترش شبکه عدالت کیفری» است، زیرا به اعتقادی باعث شمول افراد بیشتر در مدتی طولانی در سیستم دادرسی کیفری می‌شود، لذا به رغم اینکه بزه‌کاران محکوم پشت میله‌های زندان نیستند، اما شرکت‌های خصوصی با پوشانیدن ابزارهای نظارتی و تعیین برنامه‌های درازمدت اصلاح‌مدار بر این افراد سعی بر آن دارند تا در عین روانه کردن محکومان به جامعه سودآوری خود را نیز تضمین نمایند. از همین رو، تصمیم‌گیری از سوی دادگاه‌های عادل و بی‌طرف به شرکت‌های با دغدغه سوددهی تفویض می‌شود که از نظر آن‌ها بزه‌کاران ابزاری برای درآمدزایی هستند (۱۳).

مصوب ۱۳۹۸ از «بنیاد تعاون زندانیان» و همچنین «کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های وابسته به بنیاد تعاون زندانیان» یاد شده است. این در حالی است که این بنیاد نهادی خیرخواهانه است و اگرچه اساسنامه آن مؤلفه‌های مؤثری را در زمینه حمایت از مددجویان مد نظر قرار داده است، اما ساختار این نهاد باید در قالب خارج از نظام قضایی یا درون آن بودن و همچنین نوع تعامل با نهادهای قضایی مشخص گردد. تکثر نهادهای پذیرنده مقرر در ماده ۴ از آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳، نشانگر دو بُعدی بودن دولتی و خصوصی بودن اجرای نهادهای اصلاح‌مدار است.

۴-۵-۱. خشونت در اعمال برنامه‌های اصلاح‌مدار: به موجب شکایت‌های صورت گرفته چنین ادعا شده است که در این مراکز خصوصی چندین مورد حمله جنسی به یک زن توسط افسران متولی اصلاح صورت گرفته، ولی نادیده گرفته شده است. منابع متعدد مرکز بازداشت هارول را به عنوان یک مؤسسه خارج از کنترل قاچاق، اخاذی و سوء مصرف مواد مخدر توصیف کرده‌اند. برخی از شکایت‌ها نیز حکایت از این واقعیت دارند که عضو خانواده آن‌ها در حین طی محکومیت خود در مراکز خصوصی متولی اصلاح و درمان، تحت مراقبت‌های پزشکی نادرست قرار گرفته است و این امر منجر به مرگ آن محکوم شده است (۱۲). در رویه قضایی ایران می‌توان مواردی از وقوع خشونت، در معنای وسیع کلمه با ابعاد مختلف، را از سوی برخی از نهادهای پذیرنده متولی اجرای خدمات عمومی رایگان موضوع ماده ۷۹ ق.م.ا و آیین‌نامه اجرایی آن تصدیق نمود. احتمال تکرار خشونت‌ها در چنین نهادهایی بدان دلیل است که مقررات مرتبط به شکلی تک‌بعدی، صرفاً به اعلام گزارش از سوی نهادهای پذیرنده اشاره کرده‌اند و جایگاهی برای اعتراض محکومان نسبت به شیوه تعامل این نهادها به رسمیت نشناخته است.

۴-۵-۲. مکان‌های دورافتاده نهادهای خصوصی اصلاح‌مدار: با توجه به دغدغه مالی حاکم بر مؤسسات خصوصی متولی سیاست‌های اصلاح و درمان، این مکان‌ها در قسمت قابل توجهی از ایالت‌های آمریکا و بسیار دور از خانواده‌های محکومان و شهرهای محل سکونت تأسیس

۴-۵-۱. چالش‌های ساختاری - اجرایی - هنجاری: به موجب برخی از مطالعات میدانی صورت گرفته در برخی از ایالت‌های آمریکا، میزان تکرار جرم از سوی محکومانی که در این مراکز بوده‌اند، بسیار بیشتر از محکومان نهادهای اصلاح‌مدار دولتی بوده‌اند. به اعتقاد برخی، یکی از دلایل مهم این امر مدل تجاری حاکم بر این نوع مراکز است که از طولانی شدن زمان سود می‌برند (۶). به نظر می‌رسد که با دقت در شیوه‌های اجرای خصوصی پاسخ‌های اصلاح‌مدار در آمریکا، دلیل میزان تکرار جرم به چند عامل اجرایی مرتبط می‌گردد که در ادامه تبیین می‌شود. در حقوق کیفری آمریکا با تأیید بسیاری از تحقیقات علمی، می‌توان استثمرات اقتصادی، فرهنگی و حاکمیت نژادپرستی در زندان‌های خصوصی را شاهد بود، حتی به اعتقاد بسیار از پژوهش‌های میدانی در آمریکا، اجرای زندان‌های خصوصی به نوعی کنترل نژادپرستانه تبدیل شده است که در آن صرفاً جوانان سیاه‌پوست با یک مجرای قانونی از جامعه طرد شده و دور نگه داشته می‌شوند. به اعتقاد برخی از نویسندگان در آمریکا، زندان‌های خصوصی یا خصوصی‌سازی زندان‌ها، با هدف کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و کاهش جمعیت کیفری ظاهر شده‌اند، اما این نهادهای اصلاحی خصوصی (Private Correctional Institutions) یا ندامتگاه‌های خصوصی چندان نتوانسته‌اند در کاهش تکرار جرم مؤثر واقع گردند و به دلیل وجود چالش‌های مختلف، علیرغم هزینه‌های بسیار بالا تحقق اصلاح زندانیان و کاهش تکرار جرم آنان را به دنبال نداشته‌اند (۱۴).

در حقوق کیفری ایران چالش ساختاری به گونه دیگری خودنمایی می‌کند و آن اینکه، بدون یادکردن از سیاست خصوصی اجرای تدابیر ارفاق‌آمیز، نهادهایی فعالیت می‌کنند که سازوکار اجرایی آن در جهت ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های آن‌ها با رهیافت‌های کیفرشناختی، با ویژگی‌های نهادهای اصلاح‌مدار مبهم است. به عنوان مثال در جهت اجرای نظام نیمه آزادی ضمن تبصره‌های ۱ و ۲ از ماده ۱۴ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس

هزینه‌های سنگینی را برای حقوق جامعه، مشروعیت مجازات و کنترل محلی و دموکراتیک بودن جامعه رقم می‌زند.

۴-۱-۴-۵. پیاده‌سازی ضعیف تدابیر اصلاحی نسبت به محکومان: برای تبیین نمونه‌ای از این چالش، در مرکز بازداشتگاه جک هارول در واکو تگزاس چنین ادعا شده است که کارمندان در آنجا به طور مرتب از معالجه بهداشت روانی محکومان، داروهای ضروری و مراقبت‌های پزشکی از زندانیان خودداری می‌کنند و برای کتمان این واقعیت از اسناد جعلی استفاده می‌کردند (۱۵). در سویی دیگر، به طور کلی در حقوق کیفری ایران، گزارش‌های مرتبط با زندان‌ها و شرایط اصلاح محوری در آن‌ها بسیار اسفناک اعلام شده است، اما نباید این شرایط حداقل در مراکز اصلاحی خارج از زندان، از جمله نهادهای پذیرنده خصوصی و دولتی و یا بنیاد تعاون زندانیان وجود داشته باشد.

۴-۱-۵. چالش‌های قانون اساسی و شرع در اجرای خصوصی مجازات‌ها: پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که با توجه به اصول متعدد قانون اساسی در مورد حقوق ملت که حق مجازات را به طور خاص برای حاکمیت در نظر گرفته است، آیا واگذاری اجرای کیفر به بخش خصوصی با قانون اساسی، شرع و اخلاق در تعارض نیست؟ پاسخ این سؤال را می‌توان در چند محور مورد بررسی قرار داد:

- گستره اعمال حاکمیتی و تعیین مصادیق آن همواره مورد بحث و مناقشه اندیشمندان علوم انسانی بوده و هست. در این بحث دو دیدگاه اصلی وجود دارد: عده‌ای طرفدار کوچک کردن دولت بوده و قائل بر حداقلی نمودن وظایف دولت و واگذاری اعمال آن به بخش خصوصی هستند؛ در جبهه مقابل طرفداران رویکرد دولت حداکثری قرار دارند که قائل بر پررنگ بودن نقش دولت و عدم محدودیت اختیارات و وظایف آن هستند. طرفداران دو دیدگاه دلایل متعددی برای وجاهت دادن به نظرات خود آورده‌اند که از حوصله بحث حاضر خارج است، اما در این باب به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که اعمال حکومت را باید به دو بخش تفکیک نمود و هر یک را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد: ۱- اعمال حاکمیتی؛ ۲- اعمال تصدی. برای جای دادن تعیین کیفر و اجرای آن در یکی

شده‌اند. یکی از چالش‌های قابل طرح در حقوق کیفری ایران را می‌توان در اشتغال‌زایی مددجویان در مناطق صنعتی دورافتاده‌ای بیان نمود که از سوی بنیاد تعاون زندانیان و در جهت اجرای نیمه آزادی برای محکومان معرفی و پیشنهاد می‌شود، زیرا از یکسو تلاش استفاده حداکثری محکومان از چنین نهادهای اصلاح‌مدار است، اما در عین حال در محکومیت بسترهای پیاده‌سازی وجود ندارد و محکوم به ناچار برای بهره‌مندی از این تدابیر اصلاحی، دورافتادگی را متحمل می‌گردد. ماده ۱۹ از آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۱۳۹۸ بر عدم وجود فاصله مکانی تأکید کرده است، زیرا به نظر می‌رسد که می‌تواند مانعی در مسیر اصلاح محکومان ایجاد نماید؛ «حکم نیمه‌آزادی وفق تبصره ۳ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری باید در محل اقامت محکوم‌علیه اجرا شود، مگر اینکه اجرای حکم مزبور در محل اقامت وی مقدور نباشد یا موجب مفسده باشد که در این صورت بنا به تقاضای قاضی اجرا و موافقت دادگاه نسبت به تغییر محل اجرای حکم اقدام می‌شود.»

۴-۱-۳. نابرابری نژادی از سوی نهادهای خصوصی متولی اصلاح و درمان: زندان‌های خصوصی نسبت به نهادهای دولتی بیشتر افراد رنگین‌پوست را در خود جای می‌دهند، واقعیتی که پیامدهای نگران‌کننده دارد. نگاهی که به چنین افرادی می‌شود آن است که تنها استفاده‌ی قابل قبول از این افراد سرمایه‌گذاری اقتصادی و کسب در آمد از آن‌ها می‌باشد (۶)، حتی میزان بالای حضور این افراد در چنین مؤسساتی نشان از کمبود دسترسی به خدمات آموزشی مختلف دارد. حضور آنان در این نهادهای خصوصی این نگرش را تقویت می‌کند که آنان نه به عنوان شهروندان شایسته خدمات عمومی اصلاح‌مدار، بلکه به عنوان منبع دستیابی به سود تلقی می‌شوند. هنگامی که مجازات کیفری جامعه محور از دولت‌های محلی برداشته می‌شود و به شرکت‌های بی‌طرف و خصوصی واگذار می‌شود، همه چیز و همه کس رنج خواهد برد، لذا اعطای این قدرت به صاحبان سهام سود اقتصادی

از دو دسته مذکور، با توجه به دینی‌بودن پایه‌های حکومت ایران، باید آن را به مثابه یک حکومت اسلامی مورد بررسی قرار داد. در حکومت اسلامی تعیین و اجرای کیفر حد اعلای جلوه حاکمیت است، پس این امر را باید در دسته اعمال حاکمیتی جای داد (۱۶).

دولت در اجرای اعمال حاکمیتی، نقشی بالادست را ایفا می‌کند. این رابطه طولی و عدم برابری با سایر نهادها، اقتضائاتی به همراه دارد که برای اجرای صحیح، عادلانه و مؤثر کیفر ضروری است، زیرا دولت به عنوان نهاد بالادست منفعتی از تغییر کمیت و کیفیت کیفر نبرده و بستر و ظرفیت مناسب جهت اجرای صحیح آن را دارد. قید لزوم مداخله حاکمیت در قوانین و مقررات مربوطه نیز، بیانگر ضرورت مباشرت دولت در اجرای کیفر است. برای مثال می‌توان به الزامی‌بودن اخذ اذن مقام رهبری برای اجرای قصاص که در ماده ۴۱۷ ق.م.ا ذکر شده، اشاره نمود.

دولت در لباس حاکمیت وظیفه صیانت از منافع ملی، تأمین حقوق شهروندی و حفظ حقوق بشری تابعان خود را دارد و افکار عمومی، تخصیص نهادهای دولتی داخلی برای نظارت و فشارهای جامعه جهانی، هر یک ضمانت اجرای حسن انجام این وظیفه هستند. از این روست که برای تأمین این اهداف هیچ نهادی نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای دولت باشد. اجرای صحیح کیفر رابطه تنگاتنگی با برقراری نظم و امنیت در جامعه و به تبع آن، تأمین منافع و حقوق ملت دارد. به همین سبب هیچ نهادی به اندازه دولت نمی‌تواند شایستگی و ظرفیت لازم برای اجرای صحیح کیفر را داشته باشد (۱۷).

- در شرع مقدس اسلام کم و کیف مشخص و معینی برای اجرای حد و قصاص در نظر گرفته شده و در بطن آن به حقوق مجرم نیز توجه گردیده است، به طوری که در سیره اسلام و معصومین روایات متعددی در این باب آمده است. برای مثال در تاریخ طبری نقل شده که در مجازات قاتل حضرت علی (ع) ایشان به حسین (ع) و هاشمیان امر کرده‌اند که ابن ملجم را درست به شیوه ضربت‌خوردن خودشان قصاص کرده و از حدود آن تجاوز ننمایند. شیوه اجرای مجازات‌های شرعی به شرح و تفصیل در شرع بیان شده و احکام مشخصی وضع

گردیده تا اجرای مجازات‌ها از حدود آن تجاوز ننموده و حق مجرم و مجنی‌علیه مورد تضییع واقع نشود. به طور مثال یکی‌بودن عضو مورد مجازات، یکی‌بودن مقدار جنایت با مقدار قصاص، عدم خوف تسری بر عضو دیگر یا مرگ مرتکب و... از شرایط عمومی قصاص است که انعکاس آن را می‌توان در قوانین باب حدود و قصاص قانون مجازات اسلامی نیز جستجو کرد. در مورد حدود، عده‌ای از فقها اجرای آن را صرفاً توسط امام معصوم جایز می‌دانند. از این رو به نظر می‌رسد اجرای آن توسط نهادهای غیر از حاکمیت اسلامی - به عنوان نماینده معصوم در عصر غیبت - خلاف موازین شرعی باشد. تعزیرات منصوص نیز از آنجایی که نوع، میزان و موجب آن در شرع تعیین شده از احکام مشابهی برخوردار است (۱۸). با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد اجرای مجازات‌های شرعی، از ظرافت‌های خاصی برخوردار است که انجام آن را توسط غیر حاکم اسلامی با چالش رو به رو می‌سازد. همچنین از برخی قواعد اسلامی استنباط می‌گردد که مباشرت حاکم در اجرای برخی از مجازات‌ها ضروری است.

۴-۱-۴-۵. هنجارهای اخلاقی و اجرای خصوصی مجازات‌ها: اصول اخلاقی یک هسته سخت دارد که در تمام جوامع مورد پذیرش قرار گرفته است. هنجارهایی که دارای پیوندهای بسیار نزدیکی با فطرت انسان هستند، مانند اصل حسن نیت، صداقت و... در کنار هسته‌های سخت، یک لایه انعطاف‌پذیر و متغیر نیز در عالم اخلاق وجود دارد. این لایه حاوی هنجارهایی می‌باشد که در جوامع مختلف بسته به اوضاع و احوال متغیر هستند. همین متغیربودن برخی هنجارهای عالم اخلاق منجر می‌شود که در جامعه واکنش‌های مختلفی نسبت به نقض هنجارهای مزبور ایجاد شود. به تعبیری واکنش‌های جامعه قابل پیش‌بینی نمی‌باشد. در فضای حقوق کیفری تئوری حکومت قانون در قامت اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها نقش پررنگی را ایفا می‌کند؛ یکی از عناصر مهم تئوری مزبور قابل پیش‌بینی‌بودن و جزمیت حقوقی است. به بیان ساده‌تر در فضای حقوق کیفری لازم است علاوه بر جرائم و مجازات‌ها، نحوه اجرای مجازات‌ها نیز به صورت دقیق از پیش تعیین شده باشد. سپردن اجرای مجازات‌ها به بخش

خصوصی یک چالش اساسی ایجاد می‌کند. در فرایند اجرای مجازات‌ها و به طور خاص، مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی، موضوعات اخلاقی و ظریفی وجود دارد که علیرغم فرعی بودن، تأثیر بسیار زیادی بر فرایند اجرای مجازات و تأثیر آن دارد. برای مثال در راستای اجرای مجازات‌های جایگزین مانند خدمات عمومی و... انتخاب مناطق آلوده یا صعب‌العبور برای اجرای مجازات جایگزین می‌تواند تأثیر فراوانی بر نحوه اجرای موضوع مجازات بگذارد (۱۹).

این موضوعات عموماً در قوانین و مقررات مورد توجه قرار نگرفته‌اند و نحوه اقدام در ارتباط با آن‌ها به بخش خصوصی واگذار شده است. در مواردی که هنجارهای حقوقی در ارتباط با یک موضوع خاص وجود ندارد شرکت‌های خصوصی به معیارها و هنجارهای اخلاقی متعارف جامعه مراجعه می‌کنند که در اینجا به دلیل فقدان نیروهای آموزش‌دیده، حقوقدان و کارآمد برخورد سلیقه‌ای و متغیر ایجاد می‌شود که این مسأله یک چالش اساسی در فرایند عدالت کیفری محسوب می‌شود. همین سازوکار در فضای هنجارهای حقوق بشری نیز موضوعیت دارد. به تعبیری بسیاری از هنجارهای حقوق بشر بر مبنای سایر هنجارهای اخلاقی طراحی و ارائه شده‌اند و در نتیجه در مرحله اجرا، ابزارها و روش‌های روشن و شفاف ارائه نشده است، بلکه نحوه اجرا و جزئیات آن به مقامات اجرایی واگذار شده است. مقامات اجرایی نیز برای اینکه بتوانند این وظیفه مهم را به نحو احسن انجام دهند، نیاز مبرم به آموزش و صرف هزینه‌های اضافه دارند. در نتیجه با توجه به محدودیت‌های منابع مالی یک چالش مهم برای حاکمیت‌ها جهت اجرای خصوصی مجازات‌ها ایجاد می‌شود. چنانچه این چالش مرتفع نگردد و بخش خصوصی بدون آموزش کافی و وجود نظارت متمرکز، به اجرای مجازات‌ها بپردازد احتمال ایجاد فساد افزایش قابل توجهی خواهد داشت (۲۰).

از طرفی نیز، بسیاری از قوانین ریشه در شرع دارند و شرع مقدس اسلام نیز تأکید ویژه‌ای بر حوزه اخلاق دارد. اگر درصد آن باشیم که پاسخ سؤال ابتدایی را در حوزه اخلاق جستجو نماییم، توجه به چند نکته ضروری می‌نماید. یکی از مواردی که در حوزه اخلاق به آن توجه شایانی شده و

اندیشمندان آن را بارها به بحث گذاشته‌اند، مفهوم «عدالت» است. تحقق عدالت یکی از اهداف اجرای مجازات نیز هست، زیرا علاوه بر تأمین حسن عقلی، موجب التیام خاطر مجنی‌علیه و تسکین وجدان اجتماعی نیز می‌گردد. برای استقرار عدالت در اجتماع باید توجه داشت مجنی‌علیه و مجرم، هیچ یک مورد ظلم واقع نشده و چیزی کمتر یا مازاد بر حقشان دریافت ندارند. از این روست که اجرای مجازات باید به نحوی باشد که از یک طرف به دور از انتقام‌جویی شخصی، حقوق متهم در پرتو عدل تأمین گردد و از سمت دیگر امکان گریز متهم از مجازات با توسل به ابزارهای مادی وجود نداشته باشد. وصول به این هدف مستلزم وجود نهادی است که با داشتن ساختار سلسله مراتبی، بالادست قرار گرفته و منفعتی از عدم اجرای عدالت حاصل نکند، در نتیجه به نظر می‌رسد صرفاً حاکمیت بستر لازم برای تحقق این امر را دارد. مفهوم دیگری که در حوزه اخلاق (به خصوص اخلاق اسلامی) در نظر گرفته شده، «کرامت انسانی» است. تأمین کرامت انسانی تأثیرات مهمی بر فرد و اجتماع دارد. برای مثال زمینه بازگشت‌پذیری مجرم را به جامعه فراهم می‌آورد که از اهداف مهم مجازات نیز می‌باشد. با توجه به اینکه مجرمین غالباً دارای رفتارهای ناهنجار نسبت به ضوابط و قواعد حاکم بر جامعه هستند، مواجهه با آن‌ها و حفظ کرامتشان در طول محاکمه و اجرای مجازات، توجه مضاعف و برخورد ویژه‌ای را می‌طلبد، به همین دلیل نیروی آموزش‌دیده و بستر مناسبی لازم است تا مجرم در طول دوره محکومیت، با رفتاری مطابق حیثیت و کرامت انسانی و به دور از تحقیر مواجه شود. به نظر می‌رسد تحقق این امر، جز با اجرای مجازات توسط نهادی بالادست یا نظارت مستقیم آن ممکن نیست، زیرا نهاد خصوصی در صورت عدم وجود نظارت همواره ظرفیت تخطی از ضوابطی که در راستای تأمین منافع آن نیست را دارد (۲۱).

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌آید در مورد حدود، قصاص و تعزیرات منصوص امکان واگذاری اجرای مجازات به نهادهای خصوصی میسر نیست، اما در مورد تعزیرات غیر منصوص انعطاف بیشتری وجود دارد. با در نظر گرفتن سیاست‌های اخیر حاکمیت و مزایای متعدد کوچک‌کردن

دولت، از جمله افزایش فرصت‌های شغلی و تمرکز دولت بر خدمات کمتر و به تبع آن افزایش کیفیت آن‌ها، به نظر می‌رسد حرکت در این سمت عقلایی‌تر از گسترش دولت است، لذا علیرغم وجود شایستگی و ظرفیت بیشتر برای اجرای مجازات‌ها به مباشرت دولت، مصلحت ایجاب می‌کند (با چشم‌پوشی از برخی مزایای اجرای مجازات توسط دولت) بخشی از وظایف آن به سایر نهادها واگذار گردد. با توجه به امکان‌سنجی صورت‌گرفته، در حوزه تعزیرات غیر منصوص می‌توان بخشی از پروسه اجرای مجازات را به نهادهای خصوصی واگذار نمود، البته در این مسیر نیز، مسلماً نظارت حاکمیت بر روند مجازات و بررسی مستقیم وضعیت مجرم، بالاخص در موارد تأثیرگذار در مجازات وی (مانند نهاد تخفیف) ضروری است. در بین مجازات‌های غیر منصوص نیز، مجازات‌های جایگزین حبس (با توجه به نیاز به نظارت کمتر) از ظرفیت بیشتری برای واگذاری به نهادهای خصوصی برخوردارند.

۲-۴-۵. چالش‌های مالی - اقتصادی: بیشتر بزه‌کاران که تمایل به احیای وضعیت اقتصادی خود دارند، بقیه عمر خود را صرف تلاش برای پرداخت بدهی خود به سیستم عدالت کیفری می‌کنند. از طرفی، عدم توزیع صحیح دارو، عدم دسترسی به آب آشامیدنی، سلول‌هایی با مکانیسم قفل شکسته و سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های غیر استاندارد از جمله مواردی است که دغدغه درآمدزایی، کیفیت ارائه خدمات و امکانات را پایین آورده و تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۱). با این وجود، در دو بُعد مهم به شرح ذیل این چالش‌های مالی - اقتصادی در زمینه عملکرد این مراکز شایان توجه است.

۱-۲-۴-۵. ابهام در صرفه‌جویی هزینه‌ها برای نظام عدالت کیفری: با نظر به اینکه این مراکز اصلاح‌محور خصوصی با مشکلات قابل توجه ساختاری رو به رو هستند و ابهام در عملکرد مثبت آن‌ها وجود دارد، به نظر می‌رسد که تحقق تکرار جرم پس از عدم تحقق اصلاح و درمان، هزینه مضاعفی را بر نظام عدالت کیفری تحمیل می‌نماید. به موجب مطالعات مختلف در حقوق آمریکا، در بهترین حالت، میزان صرفه‌جویی

ارزی از سوی این مراکز بسیار ناچیز است و در مقایسه با شعارهای آن غیر قابل اعتنا به نظر می‌رسد. به اعتقادی دیگر، همین نظارت از سوی دولت بر نهادهای خصوصی متولی اصلاح محکومان خود برای دولت هزینه‌بردار است. وجود این مراکز به عنوان مالیات‌دهندگان دولت و همچنین نهادهایی که درصد سود خود و پرداخت مالیات هستند، باعث حاکمیت مؤلفه‌های مالی متفاوت و پیچیده‌ای از ضرر به دولت از طریق عدم پرداخت مالیات و... می‌شود. مطالعات مبتنی بر فراتحلیل‌ها در برخی از دانشگاه‌های آمریکا نشان داده‌اند که نه کاهش هزینه‌ها و نه ارائه خدمات بهتر از سوی این مراکز تضمین شده است (۲۲).

۲-۴-۵. چالش‌های مالی - اقتصادی: بیشتر بزه‌کاران که تمایل به احیای وضعیت اقتصادی خود دارند، بقیه عمر خود را صرف تلاش برای پرداخت بدهی خود به سیستم عدالت کیفری می‌کنند. از طرفی، عدم توزیع صحیح دارو، عدم دسترسی به آب آشامیدنی، سلول‌هایی با مکانیسم قفل شکسته و سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های غیر استاندارد از جمله مواردی است که دغدغه درآمدزایی، کیفیت ارائه خدمات و امکانات را پایین آورده و تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۱). با این وجود، در دو بُعد مهم به شرح ذیل این چالش‌های مالی - اقتصادی در زمینه عملکرد این مراکز شایان توجه است.

۱-۲-۴-۵. ابهام در صرفه‌جویی هزینه‌ها برای نظام عدالت کیفری: با نظر به اینکه این مراکز اصلاح‌محور خصوصی با مشکلات قابل توجه ساختاری رو به رو هستند و ابهام در عملکرد مثبت آن‌ها وجود دارد، به نظر می‌رسد که تحقق تکرار جرم پس از عدم تحقق اصلاح و درمان، هزینه مضاعفی را بر نظام عدالت کیفری تحمیل می‌نماید. به موجب مطالعات مختلف در حقوق آمریکا، در بهترین حالت، میزان صرفه‌جویی

۲-۴-۵. چالش‌های مالی - اقتصادی: بیشتر بزه‌کاران که تمایل به احیای وضعیت اقتصادی خود دارند، بقیه عمر خود را صرف تلاش برای پرداخت بدهی خود به سیستم عدالت کیفری می‌کنند. از طرفی، عدم توزیع صحیح دارو، عدم دسترسی به آب آشامیدنی، سلول‌هایی با مکانیسم قفل شکسته و سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های غیر استاندارد از جمله مواردی است که دغدغه درآمدزایی، کیفیت ارائه خدمات و امکانات را پایین آورده و تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۱). با این وجود، در دو بُعد مهم به شرح ذیل این چالش‌های مالی - اقتصادی در زمینه عملکرد این مراکز شایان توجه است.

۶. نتیجه‌گیری

خصوصی‌سازی اجرای مجازات‌ها لزوماً به مجازات حبس محدود نیست و همین نکته مهم بیان‌کننده دامنه مسأله در پژوهش حاضر است، زیرا مجازات‌ها و سیستم حاکم بر آن‌ها در حال تحول است و این امر به موازات تغییر در میزان اعتماد و اعتقاد به کارایی نظام‌های قضایی و سیاسی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. کوچک‌سازی نظام قضایی هم می‌تواند با ورود حداکثری نهادهای خصوصی یا سازوکارهای غیر رسمی همراه باشد. با نگاهی به حقوق آمریکا می‌توان دریافت که ایالت‌ها در اعمال پاسخ‌های اجتماعی با ایجاد ادارات خاصی که صرفاً زیر نظر یک مقام قضایی و با حضور وی اقدام می‌کنند، به نوعی برون‌سپاری قضایی در اجرای مجازات‌های جامعه‌مدار و اصلاحی اقدام کرده‌اند. یکی از جهت‌گیری‌های اساسی موضوع حاضر آن است که کدام یک از مجازات‌های اصلاح‌مدار را می‌توان در قالب سیاست اجرای مجازات‌ها به طور خصوصی در نظام حقوقی ایران پیاده نمود و کدام مجازات‌ها از اجرای خصوصی، مستثنی می‌باشند. با نگاهی به مقررات از جمله آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و مجازات‌های جایگزین حبس مصوب ۱۳۹۸ ریاست قوه قضاییه می‌توان بستر عملکرد نهادهای خصوصی در کنار نهادهای قضایی را موجود یافت. با این توضیح که بسیاری از مصادیق مانند قرار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، نیمه‌آزادی و ارائه خدمات عمومی رایگان (در آیین‌نامه ماد ۷۹ ق.م.ا) به نحوی پیش‌بینی شده‌اند که نهاد مجری حکم اجتماعی اصلاح‌مدار، نهادی خصوصی و خارج از بدنه قضایی است، اما با نگاهی به مراحل اجرایی و یک مرحله بعد از پیش‌بینی قانونی، رویکرد قانونی با خلأ مواجه است و اصول صلاح‌دیدگی یا اقتضا و مصلحت‌گرایی این نهادهای خصوصی مجری است که به پیاده‌سازی این مجازات‌های اصلاح‌مدار اجتماعی جهت می‌دهند. این در حالی است که چالش‌های مختلف ساختاری، اجرایی و اقتصادی موجود در حقوق آمریکا بیانگر آن است که حتی پس‌نیده‌بودن یک سیاست و داشتن اهداف انسانی برای این نوع سیاست‌ها

بگیرند، اساساً کیفر کارکرد خود را از دست داده و مجرم بالقوه به واسطه قدرت مالی، خود را محفوظ از مجازات می‌داند، زیرا با دادن رشوه می‌تواند به راحتی از توان جرایم خود بگریزد. این مسئله تبعات جبران‌ناپذیری بر جامعه داشته و اقتدار عالیه قانون را تضعیف می‌نماید (۲۳).

علاوه بر موارد فوق دولت با دادن مجوز به افرادی از بخش خصوصی، علاوه بر منفعت‌محوری، زمینه رقابت را نیز ایجاد می‌کند. با فراهم‌شدن این بستر مؤسسات مختلف دست به اقداماتی می‌زنند تا سود بیشتر کسب کرده و رقبای خود را از میدان خارج کنند. در این راستا ممکن است مثلاً یک زندان خصوصی با اخذ مبلغ بیشتری امکانات بهتری برای مجرمین خاصی فراهم کند و عده‌ای که مبلغی را نمی‌پردازند امکانات کمتری داشته باشند، حتی نحوه رفتار با زندانیان می‌تواند تحت تأثیر میزان وجه دریافتی زندان از محکومین قرار گیرد. این مسائل به اصل برابری در مقابل قانون خدشه وارد کرده و موجب تضییع عدالت می‌گردد. این موضوع علاوه بر اینکه اثر تربیتی کیفر را برای مجرمین متمول کم می‌کند، در محکومین فقیر نیز حس ظلم ایجاد کرده و باعث می‌شود آن‌ها خود را در سیستم ناعادلانه‌ای فرض کنند و به تبع آن مجازات خود را نیز ناعادلانه بدانند که این امر خود از تأثیر اصلاحی کیفر می‌کاهد (۲۴).

برقراری این مؤسسات خصوصی خارج از ساختار دولت مسلماً نیاز به نظارت دارد. در راستای تربیت نیروی ناظر لازم است افرادی به این شغل منتسب گردند که تخصص علمی، اخلاقی و فنی لازم برای این کار را داشته باشند. علاوه بر آن افرادی که به عنوان بازرس و ناظر قرار می‌گیرند، باید به حدی از نظر مادی تأمین باشند که با پیشنهاد تطمیع، ترغیب نگردند تا به این واسطه موجبات فساد در مجموعه فراهم نگردد. منطقاً تربیت چنین نیرویی هزینه‌های زیادی برای دولت دربر دارد. این روند هدف ابتدایی واگذاری مجازات به بخش خصوصی (که همان کوچک‌کردن دولت است) را بی‌اثر می‌کند (۲۴).

قانونگذاری واحد تقنینی و فروتقنینی در زمینه نهادهای غیر قضایی متولی اجرای پاسخ‌های اجتماعی، ساماندهی نظام‌مند از نهادهای متولی با هدف ترسیم خط مشی و حوزه‌های فعالیت، تعیین ضوابط اجرایی تعامل مقام‌های قضایی با متولیان مجازات‌های اجتماعی، تعیین نظام‌مند سازمانی زیرمجموعه سازمان زندان‌ها با هدف یکسان‌سازی و نظارت بر فعالیت‌های مرتبط با اجرای خصوصی مجازات‌های اجتماعی.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌گردد.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

کفایت نمی‌کند و می‌تواند به غیر انسانی و غیراخلاقی شدن و شرم‌آور بودن این نوع مجازات‌های اجتماعی پیاده‌شده از سوی نهادهای خصوصی منتهی شود، امری که در حقوق آمریکا رخ داده است، لذا برای توقع آثار مثبت بر محکومان و کاهش آثار مخرب اجتماعی از قبیل تکرار جرم و تحقق اهداف اصلاحی مجازات‌های اجتماعی، لازم است که شفافیت قانونی مبنی بر پیش‌بینی مراحل عملی پیاده‌سازی این نوع از مجازات‌های اصلاح‌مدار تضمین گردد، زیرا صرف اعطای مجوز قانونی به نهادهای خصوصی و غیر دولتی، اگرچه پسندیده است، اما بدون وجود ضوابط و سازوکارهای قانونی در شیوه اجرای آن‌ها نمی‌تواند مفید فایده باشد.

تضمین شفافیت عملکرد مراکز خصوصی، نوعی مسئولیت‌پذیری و یا پاسخگویی اجتماعی مستمر را اقتضا می‌نماید. در این راستا تبیین نحوه تعامل و گزارش‌دهی‌ها به مراجع قضایی به ویژه قاضی اجرای مجازات‌ها و همچنین ضمانت اجراهای تخطی از ضوابط عملی می‌تواند مؤلفه‌های اساسی این شفافیت قانونی باشند. در نهایت با نظر به تجارب منفی مختلف در حقوق آمریکا که عمدتاً ریشه در عملکرد اقتصادی کسب سود مؤسسات خصوصی دارد، مرحله دیگری از اجرای مجازات‌های اجتماعی پیش‌بینی شده است و آن توجه به بافت‌های محلی در اجرای خصوصی مجازات‌های اصلاح‌مدار و نه شرکت‌های خصوصی است، زیرا معتقدند این بافت‌ها با تلفیق تدابیر ترمیمی و نظارت درونی تأثیر قابل توجهی بر افزایش تأثیر اصلاحی مجازات‌ها در پی دارد، به همین دلیل می‌توان در حقوق ایران نگرش دوگانه آزمایشی به شکلی اشتراکی و یا مجزا میان این دو سیاست خصوصی اجرای مجازات‌ها را پیش‌بینی کرد و با بیلان‌گیری شیوه بومی متناسب با حقوق ایران آسیب‌شناسی و نهایی گردد. به نظر می‌رسد که پذیرش قانونگذار از ایفای نقش کنشگران غیر قضایی و گاه خصوصی در ابعاد مختلفی از مجازات‌های اجتماعی به شکل متشدد صورت گرفته است که این امر نیازمند طرح پیشنهادهای عملی از جمله موارد برشمرده آتی با هدف یکسان‌سازی سیاست برون‌سپاری مجازات‌های اجتماع‌مدار خواهد بود:

References

1. Parchami D, Derakhshan F. Examining social penalties alternatives for imprisonment and crime reduction. *Journal of Sociological Studies*. 2018; 11(40): 49-68. [Persian]
2. Khaksar D, Gholami H. Factors affecting the issuance of alternative punishments to imprisonment. *Criminal Law Research*. 2019; 7(26): 9-40. [Persian]
3. Haji Dehabadi A, Jalilzade M. Formation of private prisons: A Comparative study in Iran and United States. *Legal Journal of Justice*. 2013; 77(83): 9-34. [Persian]
4. Kalanfar M. Privatization of prisons in Iranian criminal law. *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*. 2017; 3(4): 40-49.
5. Cullen T, Jonson L, Stohr K. *The American prison: Imagining a different future*. Thousand Oaks: Sage; 2014. p.3-9.
6. Appleman L. Nickel and Dime into Incarceration: Cash Register Justice in the Criminal System. *Boston College Law Review*. 2016; 57(5): 1483-1541.
7. Lindsey A. *Punishment and Privatization: Examining the Theoretical Logic and Consequences of Privatized Corrections*. Florida: Florida State University; 2018. p.18-19.
8. Cole G, Smith C, DeJong C. *Criminal Justice in America*. Washington: Cengage Learning; 2021. p.340-341.
9. Aviram H. Are We Still Cheap on Crime? Austerity, Punitivism, and Common Sense in the Trump/ Sessions/ Barr Era. *Hastings Journal of Crime and Punishment*. 2020; 1(1): 3-32.
10. McGowan M. Location, Location, Mis-Location: How Local Land Use Restrictions Are Dulling Halfway Housing's Criminal Rehabilitation Potential. *The Urban Lawyer*. 2016; 48(2): 329-363.
11. Mamun S, Li X, Horn P, Chermak M. Private vs. public prisons? A dynamic analysis of the long-term tradeoffs between cost-efficiency and recidivism in the US prison system. *Applied Economics*. 2020; 52(41): 1-13.
12. Deisler F. *Group Therapy Approaches for Working with Criminal Justice Clients*. New York: American University & College Press; 2010. p.102-105.
13. Ax R, Fagan T. *Correctional Mental Health: From Theory to Best Practice*. New York: SAGE Publications; 2010. p.345-346.
14. Siegel L, Bartollas C. *Corrections Today*. Washington: Cengage Learning; 2015. p.154-155.
15. Harris D, Henzel C. *For-Profit Prisons*. London: Abdo Publishing; 2019. p.40-51.
16. Moosavi M. The minimal government guarantees the protection of individual freedoms. *Reflection of Thought*. 2006; 27(1): 78-80.
17. Habibi A. The evolution of the concept of national sovereignty of governments in the light of the doctrine of the responsibility of protection. *International Relations Research*. 2017; 7(25): 149-174.
18. Ghaffari H. The relationship between the rule of law and the rule of law in the judicial system of the Islamic Republic of Iran. *Public Law Research*. 2011; 14(36): 107-132. [Persian]
19. Clear T, Reisig M, Cole G. *American Corrections*. London: Cengage Learning; 2021. p.253-254.
20. Lewandowski C, Bumgarner J. *Criminal Justice in America: The Encyclopedia of Crime, Law Enforcement, Courts and Corrections*. London: ABC-CLIO; 2020. p.45-50.
21. Modabaran A, Nikkhah R, Jafarzadeh S. Ethics and criminal justice in the Nuremberg International Special Criminal Court based on customary international law. *Scientific Quarterly of Free Legal Research*. 2020; 13(47): 25-42. [Persian]
22. Siegel L, Worrall J. *Essentials of Criminal Justice*. Washington: Cengage Learning; 2016. p.98, 302.
23. Kosiak D. *Legal Aspects of Corrections Management*. London: Jones & Bartlett Learning, LLC; 2021. p.371-375.
24. Davies P, Wyatt T. *Crime and Power*. London: Springer; 2020. p.148-149.